

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. فصلنامه سفینه سومین گام خود را در حیطة مبحث گسترده "زن و خانواده" را (پس از شماره ۶۳ و ۶۴) در حالی بر می دارد که از ورود فاجعه کرونا به صحنه جهان، بیش از یک سال می گذرد. همزمانی این دو مطلب، با گسترش سلطه فضای ارتباطات و اطلاعات، می تواند نکاتی را به ما یادآور شود. در واقع جامعه دینی ما با سه رویداد به طور همزمان، بلکه با ترکیبی از اینها روبرو شده است. بدین روی، باید ابتدا به هر کدام، جداگانه و سپس به شکل جمعی به مسئله نگرینست و نکته‌هایی برگرفته از این نگرش فراچنگ آورد.

۲. نخستین رویداد، گسترش بی‌امان فضای مجازی و آثار فرهنگی آن در تمام عرصه‌ها و صحنه‌ها و شئون زندگی انسانها است؛ به گونه‌ای که دنیای پساریانه را به حق، دنیایی متفاوت با تمام دوره‌های پیش از خود می دانند و "موج سوم" نامیده‌اند. سرعت، بلکه شتاب تحولات، مشخصه اصلی این دوره است، چنانکه ویرانگری تمام دیوارهای هویتی مثبت و منفی نیز به روشنی دیده می شود. تبدیل جهان چندفرهنگی و چندصدایی به دنیایی تک صدایی و تک ساحتی - بدان گونه که جریان غالب رسانه‌های جهانی می طلبد - یکی دیگر از پیامدهای این هجمه سنگین است.

۳. باری، بشر در سالهای اخیر، ویرانگری دیوارهای سنگین هویت خانواده را شاهد بوده و هست؛ همان فضایی که انسان در طول چند قرن زندگی اجتماعی، آن را پاس داشته و به تقویتش همت گماشته بود. این پدیده جهانی، در هر دیاری به شیوه‌ای ویژه خودش بروز کرد. در این میان، جامعه دینی مسلمانان - که کمتر به آینده و مسائل آن اندیشیده بود - گویی که از خوابی گران برخاسته باشد، ناگهان چشم گشود و صفحه‌ای دیگر در دفتر فرهنگ اجتماعی خود در فصل مربوط به خانواده دید. در این صفحه جدید، خانواده با تعریف جدید به میدان آمده

و تعریف قدیم را به چالش کشیده است. اینک همه سردرگم مانده‌اند که با این تعریف جدید چه باید کرد.

۴. این سردرگمی در حالی پیش آمد که همواره ادعا می‌شد که سرمایه غنی شریعت، توان پاسخ گویی به مسائل نوپدید را دارد. اینک آزمونی دشوار برای دینداران پیش آمده که چگونه می‌توانند چنین دستاوردی را از دل معدن شریعت استخراج کنند؟ بررسی دقیق و همه جانبه این پرسش، مجالی فراخ و داده‌هایی جامع و کامل می‌طلبد که اکنون هیچ کدام در اختیار صاحب این قلم نیست. بدین روی به اشاراتی بسنده می‌شود.

۵. برخی از اعضای جامعه دینداران به مقابله همه جانبه با فضای مجازی برخاستند و حتی دستاوردهای مثبت آن را نادیده گرفتند، بلکه شیطانی انگاشتند. اینان با نگارش کتابها و برپایی مجالس، نوای تحریم مطلق دستاوردهای تمدنی جدید را ساز کردند؛ اقدامهایی که نه تنها هرگز به نتیجه نرسید، بلکه کفّه قضاوت را به زیان دینداران سبک کرد و نزاعی کهنه و بی‌ثمر، بلکه زیانبار، مانند "نزاع دین با علم" را تجدید کرد.

۶. گروهی دیگر علم نوگرایی دینی را برافراشتند. اینان دستاوردهای تمدنی در عرصه فرهنگ خانواده را - با آنکه بعضاً تقابل آشکار با نصوص دینی داشت - در زندگی پذیرفتند؛ حتی گاه افزون بر آن، بر مبنای نصوص دینی توجیه و تئوریزه کردند. اینان نیز کتابها نگاشتند و جلسه‌ها برپا داشتند و به تفسیرهایی شگفت از آیات و روایات روی آوردند، بدان روی که به میدان "تعامل مدرنیته با سنت" گام نهند.

۷. اما اندیشمندان که وظیفه هدایت مردم را بر عهده داشتند، وظیفه خود را چنان که باید و شاید، ادا نکردند. لذا در آوردگاه اندیشگی به جنگ فکری با رقبای خود سرگرم شدند. در این میان، مغلوب این جنگ فکری، نه هیچ کدام از دو طرف یادشده، بلکه افراد و خانواده‌هایی هستند که در جنگی نابرابر با رسانه‌های سرکش و فضای افسار گسیخته مجازی شکست خورده‌اند. اینان طعم تلخ این شکست را هر روز و هر ساعت پذیرا می‌شوند و هر دم به

میزبانی شکستی دیگر در صحنه جان و اخلاق و درون می‌نشینند.

پیام جاودانه امیر حکمت و کلام سلام الله علیه که روزی در هنگام هجوم امویان به کوفه بیان فرموده بود، گویی اکنون خطاب به ما است که فرمود: «فَوَ اللَّهُ مَا عُزِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دُلُّوا»؛ به خدا قسم هیچ گروهی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه ذلیل شد. (الغارات، ج ۲ ص ۳۲۷)

۸. نتیجه چه شده است؟ خانواده‌هایی می‌توان دید که در میانه این جنگ نابرابر، از اهل نظر کمک می‌طلبند و اندیشوران را به یاری می‌گیرند که: «به فریاد ما و فرزندان ما و نسلهای بعدی برسید؛ نه بدان گونه که واقعیت فضای مجازی و هجمه یکطرفه آن و پیامدهایش را نادیده انگارید، و نه بدان سان که تسلیم آن شوید و آثار منفی آن را توجیه کنید، بلکه به قصد بهره‌گیری مثبت از این دوگانه "فرصت - تهدید" به میدان بیایید».

هر کس فریاد "یا للمسلمین" از این دلسوختگان را به گوش جان نشنود، چه پاسخی خواهد داشت؟ مگر این پیام وحی نیست که فرمود: «وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ» (انفال، ۷۲)؛ و مگر به ما در باره ناتوانان سفارش نفرمود: «الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَبُوءُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُهْلُهَا» (نساء، ۷۵)؟

اینک مستضعفانی که در چنگ ستم بازیگران قدرتمند فضای مجازی اسیر آمده‌اند، از اندیشمندان امت کمک می‌خواهند؛ آیا فریاد آنان به پاسخی در خور می‌رسد؟
۹. سویه دیگر این انگاره، غفلت فراگیر ما از تهدیدها و فرصتهای فضای مجازی است که افراط و تفریط یادشده تنها یکی از پیامدهای آن است. این غفلت و گاه تغافل، ما را به یاد قصه‌های مشابه می‌اندازد که حدود یک سال از آن می‌گذرد و همگان، از خرد و کلان، در چهار گوشه جهان، با آن آشنایند؛ قصه ویروس کرونا، که اکنون تمام جهانیان را با خود درگیر کرده است و در باره ابعاد مختلف آن مطالب بسیار گفته و نوشته‌اند.

در این گفتار کوتاه به تناسب بحث، فقط به یک نکته اشاره می‌شود: "هشدارهای متولیان بهداشت و پزشکی در سطح جهانی نسبت به غفلت از خطرات این ویروس و عادی انگاری آن"

که خطر آن کمتر از اصل ویروس نیست. این مهم بارها تذکر داده شده است، اما ارتباط این ماجرا با موضوع این یادداشت چیست؟

۱۰. به نظر می‌رسد که از دهها سال پیش تا کنون - که فضای مجازی در حال گسترش بوده و همچنان هست - باید بارها به این نکته تذکر داده می‌شد، گرچه تکرار مکرر باشد، که: رویه منفی فضای مجازی حریم خانواده را هدف گرفته و اینک ما به اقداماتی نیاز جدی داریم که بر اساس رویه مثبت این فضا، با رویه منفی آن مقابله کنیم؛ یعنی تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم. به بیان دیگر، باید آن تذکرها، ما را به اقدام‌هایی بنیادین و درازمدت و استوار می‌کشاند، بیش از تلاش‌هایی که تا کنون بوده و مأجور باد.

این ضرورت همچنان هست و هر روز جدی‌تر می‌شود. اگر به آن توجه نکنیم یعنی برنامه جدی برای آن نداشته باشیم، این غفلت همانند عادی انگاری ویروس کرونا همچنان خاموش و بی‌صدا، قربانی می‌گیرد؛ چنانکه افزونی آسیب‌های نظام خانواده بر این مدعا گواه است.

۱۱. در جهت این اقدامها، بهره‌گیری از ظرفیت فراوان آموزه‌های دینی را نباید از یاد برد. این کلام، "قولی است که جملگی بر آنند". بدین روی در سطح جهانی، مراکز تربیتی دست استمداد به مراکز دینی دراز کرده و دلسوزان فرهنگی - اجتماعی در بیشتر جوامع، از متولیان دینی کمک خواسته‌اند، به گونه‌ای که حتی پس از آنکه در مواردی دست خالی برگشته‌اند، یا در سطح مطلوب و بایسته به پاسخ مثبت نرسیده‌اند، باز هم این استمداد را پی می‌گیرند. استمرار این استمداد، پیامی مهم در بر دارد که باید به گوش جان شنید.

۱۲. این همه در حالی است که عالمان ما، در تمام عرصه‌های علمی به دینی وابسته‌اند که هدف و فایده خود را "حیات بخشی به انسان" می‌داند: «استجیوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم» (انفال: ۲۴). این همان آیین است که در برابر ادعای بدون عمل، خشم بزرگ الهی را هشدار می‌دهد: «کبر مقتاً عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون» (صفه: ۳).

اینک ماییم که برای شریعت، توان مدیریت جهانی را ادعا می‌کنیم. اما شریعت، صامت است و

این عالمانند که باید آن را به نطق آورند؛ یعنی برنامه‌های عملی و کاربردی از دل آن بر آورند که توان رقابت سازنده با برنامه‌های عملی آیین‌های دیگر داشته باشد.

۱۳. فصلنامه سفینه با چنین رویکردی به میدان آمده، بدان امید که قطعاتی معدود از این سپهر گسترده را به دانشیان عرضه کند و از ناکویده‌ها و نوکویده‌ها چهره گشاید. اما با ساز و کاری که از پیامبرمان باید فرا گیریم. "بارها گفته شد و بار دگر می‌گوییم" که این گونه اقدامات، تنها زمانی به بار می‌نشیند که آموزه‌های اساسی اسلام را از رسول رحمت بشنویم، آنها را از یاد نبریم و بر جان بنشانیم. آن راهنمای امت، آشکارا فرموده‌اند: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَ أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (المحاسن، ج ۱ ص ۲۸۶). روشن است که هیچ خیمه‌ای بدون عمود، بر پا نمی‌ایستد تا بتوان در پناه آن آرמיד و از سقف و سایه آن بهره برد. خاندان پیامبر نیز این آموزه مهم را تبیین کرده‌اند؛ چنانکه دخت گرامی و پاره تن آن عزیز، در خطابه جاودانه‌اش می‌فرماید: «فجعل الله... طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ...» (احتجاج، ج ۱ ص ۹۹).

۱۴. خلاصه و فشرده این پیامهای آسمانی آن است که هر اقدامی در جهت ساماندهی سبک زندگی و هدایت آن به سوی شیوه مطلوب انسانی - بدان گونه که در زیارت عاشورا می‌خوانیم و از خدایمان می‌خواهیم: "اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد... - بدون توجه به این عمود خیمه، پراکنده و گسسته و بی‌هدف است. بلکه تنها با این اهتمام انسان ساز می‌توان به بهینه‌سازی زندگی امید بست.

و امروز عمود خیمه دین، حضرت خاتم الاوصیاء است، عجل الله تعالی فرجه الشریف، که خدای حکیم حضرتش را برای تحقق اهداف حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، از جمله رساندن انسان به جایگاه والای مکارم اخلاق و خانواده نمونه، ذخیره کرده است. ظهور آن امام همام و تحقق این اهداف و اخلاق نورانی در سطح جهانی را از خدای بزرگ خواستاریم؛ چنانکه توفیق برای گام نهادن در مسیر آن گرامی را، بدان سان که رفتار ما را در سطح فرد و جامعه، مورد رضایت و تأیید حضرتش قرار دهد، از آفریدگار مهربان می‌خواهیم.